

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه علم حقوق و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

(با تجدید نظر و اضافات)

دکتر سید علی محمد یثربی قمی

دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران



مقدمه علم حقوق

مؤلف: دکتر سید علی محمد یثیری قمی

ناشر: کتاب عقیق

ناشر همکار: نوید اسلام قم

چاپ: نوید اسلام قم

نوبت چاپ: ششم (اول این ناشر) ۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۶۵-۹۵-۱

قیمت: ۱۰ هزار تومان

مواکز پخش:

- قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه همکف، پلاک ۱۱۱ تلفن: ۳۷۷۳۳۶۲ - ۰۲۵
- تهران: بازار سلطانی، دارالکتب الاسلامیه تلفن: ۵۵۶۲۰۴۱۰ - ۰۲۱
- تهران: میدان فلسطین، نشر بین الملل تلفن: ۸۸۲۱۹۸۰ - ۰۲۱
- مشهد: چهار راه خرو، کتابفروشی آستان قدس رضوی تلفن: ۳۲۲۱۱۹۲۳ - ۰۵۱
- مشهد: خیابان خسروی، کتابفروشی کتابچی تلفن: ۳۲۲۵۰۳۹۸ - ۰۵۱
- تهران: کتابفروشی دری - تلفن: ۲۵۵۳۱۳۶۳ - ۰۲۱
- اصفهان: روبروی مسجد حکیم، کتابفروشی حکیم تلفن: ۳۲۲۲۳۶۵۲ - ۰۳۱

سرشناسه: یثیری قمی، علی محمد، ۱۳۳۸ -

عنوان قرارداد: مقدمه علم حقوق و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (با تجدید نظر و اضافات)

مشخصات نشر: تهران: کتاب عقیق، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۴۹ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۶۵-۹۵-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۰۲۸۰۵

۶	مقدمه
۱۰	فصل اول: کلیات
۱۱	گفتار اول: مفهوم شناسی حقوق
۱۳	گفتار دوم: مبنا و هدف حقوق
۲۲	گفتار سوم: هدف قواعد حقوق
۳۸	فصل دوم: اوصاف قاعده حقوقی
۳۹	گفتار اول: مفهوم و اوصاف شناسی قاعده حقوقی
۳۲	گفتار دوم: رابطه حقوق با سایر قواعد اجتماعی
۴۱	فصل سوم: علم حقوق و تقسیمات آن
۴۲	مقدمه
۴۲	گفتار اول: شعب حقوق خصوصی
۴۴	گفتار دوم: حقوق عمومی و شعب آن
۴۴	بند اول: مباحث عمومی
۴۸	بند دوم: شعب حقوق عمومی
۵۷	گفتار سوم: حقوق داخلی و خارجی
۵۹	گفتار چهارم: حقوق تطبیقی و نظام های حقوق معاصر
۶۵	فصل چهارم: حقوق اسلام
۶۶	مقدمه

تاریخ فقه	۶۶
موضوعات متنوع فقه	۶۹
منابع فقه	۶۹
دینامیسم حقوق اسلام	۸۰
نظر حقوقدانان	۸۳
فصل پنجم: منابع معمولی حقوق	۸۴
گفتار اول: قانون	۸۶
گفتار دوم: عرف	۹۶
گفتار سوم: رویه قضایی و عقاید علمای علم حقوق	۹۸
فصل ششم: آثار حقوقی قوانین	۱۰۵
گفتار اول: قلمرو اجرای قانون در مکان	۱۰۶
گفتار دوم: قلمرو حقوق در زمان	۱۰۸
بخش دوم: حق فردی	۱۱۱
فصل هفتم: کلیات	۱۱۱
تعریف حق	۱۱۱
فصل هشتم: اقسام حق فردی	۱۱۳
گفتار اول: تقسیم حق به اعتبار قیود و عوارض	۱۱۴
گفتار دوم: تقسیم حق به اعتبار موضوع آن	۱۱۵
فصل نهم: منابع حقوق فردی	۱۱۹
گفتار اول: اعمال قضایی (حقوقی)	۱۲۰
گفتار دوم: وقایع حقوقی (قضایی)	۱۲۳
فصل دهم: تملک حق و انتقال و زوال آن	۱۲۵

۱۲۶	گفتار اول: تملک حق
۱۲۷	گفتار دوم: انتقال حق
۱۲۸	گفتار سوم: زوال حق یا سقوط آن
۱۲۹	فصل یازدهم: اجرای حق
۱۳۰	مقدمه
۱۳۰	گفتار اول: ضمانت اجرای حق و اقامه دعوا
۱۳۳	گفتار دوم: ادله اثبات دعوا
۱۴۰	پایان
۱۴۱	منابع و مأخذ

«بگو خدا به سوی حق، هدایت می کند، آیا آن کس که به سوی حق هدایت می کند، شایسته تر است که پیرویش کنند یا آن که هدایت نمی کند مگر این که (نخست خودش) هدایت شود».

(آیه ۳۵ سوره مبارکه یونس)

کتابی که در پیش روی دارید، دارای ویژگی هایی است که توجه به آن ها قبل از مطالعه مفید و کارساز می باشد.

۱- مباحث این کتاب تفسیر و تبیین سر فصل های درسی مصوب است، از این جهت سعی شده تا در عین سادگی و روانی عبارات از حدود لسان و ادبیات حقوقی خارج نشود.

۲- اسلام نه در حاشیه، بلکه در متن مطرح است و در بسیاری از موضوعات به خصوص موضوع مکاتب - برای نخستین بار مباحث حقوقی به آن عرضه و نتیجه نهایی از مبانی ایدئولوژی آسمان و زمین خودمان استخراج شده است.

۳- در بحث نظام های حقوقی جهان، طبق معمول، هنگامی که به حقوق اسلامی می رسند، فقط با ذکر منابع حقوق اسلام، از آن می گذرند، ولی در این کتاب با وجوه ارزنده آن ارائه شده است.

۴- متن حاضر یکی از ثمرات وحدت علمی حوزه و دانشگاه است، چرا که به فرموده بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره) فرهنگ دانشگاه ها و مراکز غیر حوزه ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت بیشتر آشنایی دارد تا فرهنگ فلسفی و نظری. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شود، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد.

به امید تحقق کامل این آرزوی بزرگ امام راحل در سایه نظام مقدس جمهوری اسلامی و خلف صالح ایشان، مقام معظم رهبری (دامت برکاته).

۵- در تجدید نظر اخیر، بخش های حقوق عمومی و حقوق جزا تقویت شده است تا مقدمه علم حقوق علاوه بر بحث های مقدماتی حقوق خصوصی، از جهت بخش های مذکور نیز ارتقاء یابد. در همین رابطه، از همکاری دانش پژوهان مُجد آقایان مصطفی پور و باقرزادگان برخوردار بوده ایم که موجب امتنان است.

۶- به علت استقبالی که از سوالات مهم و پاسخ های علمی، موثر و همچنان زنده ی آیت ... مومن در چاپ پیشین شد، این قسمت از پیوست نهایی کتاب به ابتدای آن منتقل گردید که به نوعی مقدمه راهگشای مطالب و پاسخی مناسبی به قدردانی خوانندگان از سوال و جواب مذکور می باشد.

بسمه تعالی

محضر مبارک فقیه عزیز، حضرت آیت الله مؤمن (دامت برکاته) عضو محترم فقهای شورای نگهبان قانون اساسی.
سلام علیکم و رحمت ...

مستدعی است نظر مبارک را نسبت به سؤالات ذیل اعلام فرمائید.

با تشکر و امتنان وافر: سید علی محمد یثربی قمی

۱- در یکی از کتابهای حقوقی آمده است: «شورای نگهبان مانع از قانون گذاری نامشروع می شود و بر تصویب قوانین جدید نظارت دارد، و سخنی از قوانین گذشته نیست.» ۲- شورای نگهبان حق ابطال قانون را ندارد و تنها می تواند مصوب مجلس را برای تجدید نظر به مرجع صالح بازگرداند... و نتیجه گرفته است که «اختیار داشتن برای ابطال قانون، بر مبنای این اصول قابل پذیرش نیست.»

مشخصاً سؤال این است: شورای نگهبان حق ابطال قوانین گذشته را دارد یا خیر؟

۲- قاضی صلاحیت اعلام مخالفت قانون عادی با قانون اساسی را دارد و قانون اساسی را به عنوان قانون حاکم برمی گیرند. شورای نگهبان می تواند از تحقق قانون بطور نوعی جلوگیری کند و صلاحیت شورای نگهبان با این نوع صلاحیت دادرسی تعارضی ندارد.

۳- قاضی در امور کیفری محدود به قوانین مدونه است و اصل ۳۶ بر ۱۶۷ حاکم است. تنها در امور حقوقی می تواند علاوه بر قوانین، به فتاوی معتبر مراجعه کرد.

۴- قاعده جهل به قانون رافع تکلیف نیست، از باب اینکه پس از انتشار قانون همگان مطلع از آن فرض می شوند. از نظر مبانی فقهی چه صورتی دارد؟

۵- آیا قاضی در تطبیق مورد با قانون می تواند به دلیل تبدل واقعی موضوع از تفسیر ظاهری قانون فراتر رفته، و به اصطلاح با تحقیق علمی آزاد، مسأله را فیصله دهد؟

۶- نقش شورای محترم نگهبان در مصوبه همه پرسی چیست؟

۷- رئیس جمهور مکلف به ابلاغ قانون است. اگر موردی را تشخیص دهد که رعایت تشریفات نشود، و به اصطلاح به نظر او قانون نیست، می تواند ابلاغ نکند؟

بسمه تعالی

۱- بموجب اصل ۴ قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزایی... و غیر اینها، باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقها و شورای نگهبان است.» و این اصل در مورد هر چه قانون یا مقررات نامیده شده هم اسلامی بودن را شرط دانسته و هم فقهای شورای را مرجع تشخیص تعیین کرده است، و هم تصریح نموده که هیچ اطلاق و عمومی نمی تواند جلو عموم این اصل را بگیرد، و این مطلب به برکت پافشاری خبرگان محترم قانون اساسی بر اسلامی بودن نظام و قوانین آن است. (شکرا لله سعیم) در اصل ۱۷۷ که در بازنگری اضافه شد و شیوه بازنگری را بیان می کند نیز جمله «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی...» بهمین منظور آورده شد که جای هر گونه احتمال خدشه ای را در آینده نیز از بین ببرد. با این حال، جای بسیار تعجب است که با این همه تأکیدات و تصریحات، به زبان یا نوشته کسی بیاید که مثلاً اصل ۹۱ بر اصل ۴ مقدم است، و صلاحیت فقهای شورای نگهبان، اظهار نظر در مورد مصوبات مجلس است، نه مقررات دیگر. علاوه بر اینها، نظر شورای نگهبان از همان اوایل تشکیل نیز بر عموم اصل ۴ بوده است و به مقامات مسئول نیز ابلاغ و در مجموعه قوانین چاپ و منتشر شده است.

و خلاصه آنکه هر چه جزء مقررات و قوانین کشور باشد، مشمول اصل ۴ است، خواه مصوب رژیم سابق باشد یا شورای انقلاب یا مجلس یا کمیسیون یا هیأت دولت و یا وزیر و مانند آن.

۲- همانگونه که گفته اند تعارضی ندارد.

۳- شکی نیست که اصل ۱۶۷ به منظور جلوگیری از تشبّت به هر بهانه ای برای صادر نکردن حکم دعوی از ناحیه قاضی محکمه آمده است، و موضوع مورد نظر این اصل نیز مواردی است که یا قانون نباشد، یا اجمال داشته باشد، و مانند آن. بنابراین این اصل بالخصوص به موردی که قانون مدون نباشد نظر دارد و تکلیف قاضی را در این مورد معین نموده است که باید با رجوع به منابع معتبر اسلامی حکم قضیه را صادر کند، و وقتی این اصل کنار اصل ۳۶ قرار گیرد، بخوبی معلوم می شود که در صورت وجود قانون، قاضی حقّ بی اعتنایی به قانون را ندارد. در صورت نبودن قانون مدون، حقّ صادر نکردن حکم را ندارد.

۴- در باب اصاله البرائة و قبح عقاب بلایان، توضیح داده شده است که مقصود از بیان مصحح عقاب بیان تکلیف و قانون بطریق عادی است که مصداق آن در این زمان همان انتشار در روزنامه رسمی، یا رسانه های گروهی است، و همانطور که وجود روایت در کتب معتبره مصحح عقاب است، همچنین است انتشار قانون.

۵- هر گونه تفسیری که دادرسان و قضات از قوانین عادی در مقام تمیز حق بنمایند، مشمول اصل ۷۳ و خلاف قانون اساسی نیست.

۶- نقش شورای نگهبان، نظارت بر انجام همه پرسی است (طبق اصل ۹۹) و بر اساس این نظارت، پس از تأیید شورای نگهبان همه پرسی محکوم به صحت و مصوبه آن صورت قانونی خواهد یافت، و همانطوریکه با تأیید شورای نگهبان، انواع انتخابات مذکور در اصل ۹۹ محکوم به صحت بوده و مهر صحت بر آن زده می شود. همچنین با تأیید این شوری، همه پرسی محکوم به صحت می گردد.

۷- رئیس جمهور موظف است قوانین را پس از طی مراحل قانونی، برای اجرا در اختیار مسئولین بگذارد (اصل ۱۲۳). و نیز او مسئول اجرای قانون اساسی است (اصل ۱۱۳). بنابراین اگر مراحل قانونی طی نشده باشد، به موجب اصل ۱۱۳ نباید در اختیار مسئولین قرار دهد.

امید است پاسخ به سؤالات مطروحه کافی باشد.

والسلام علیکم و التمس الدعاء، دعاء الخیر

محمد مؤمن

۷۰/۱/۱۷